

## Subtleties of Anastrophe in Surah Ar-Rum

Elham Keramaty<sup>a</sup>, Amir Moqhaddam Mottaqi<sup>b</sup>, Fatemeh Ghovati<sup>c\*</sup>

<sup>a</sup> PhD Student of Arabic Language and Literature, Dr. Ali Shariati Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

<sup>b</sup> Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Dr. Ali Shariati Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad Iran

<sup>c</sup> PhD Student of Arabic Language and Literature, Dr. Ali Shariati Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

### KEYWORDS

Qur’ān, rhetorical aspect, anastrophe, syntactic and ordinal, meaning

Received: 20 October 2023;  
Accepted: 30 January 2024

Article type: Research Paper  
DOI:10.22034/paq.2024.2013964.3772

### ABSTRACT

One of the miracles of the Qur’ān is the rhetorical aspect, which is closely related to words in terms of appearance and structure. Anastrophe is a rhetorical technique the use of which helps to make the words more expressive and better understood by the audience. Such a technique, in addition to being systematic and principled, creates beautiful style, and adds to the eloquence of the phrasing. Considering the importance of this style, this descriptive-analytical research aims to investigate the rhetorical reasons of anastrophe in Surah Ar-Rum from two perspectives of syntax and order, to illuminate the effect of this style on the meaning of words. The result of this research indicates that the most important rhetorical device of anastrophe is related to meaning so that behind the rearranging of the words, both in terms of syntax and order, there is some meaning that the speaker has intended to convey in this way in order to highlight it. Therefore, anastrophe not only has an important effect in increasing the lexical meaning and beauty, but is also used to impart a specific intention and purpose.

\* Corresponding author.

E-mail address: ghovatifatima@gmail.com

©Author





## ظرافت‌های تقدیم و تاخیر در سوره روم

الهام کرامتی الف، امیر مقدم متقی ب، فاطمه قوتی ج\*

الف دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران،

Keramaty66@gmail.com

ب دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران،

a.moghaddam@ferdowsi.um.ac.ir

ج دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران،

ghovatifatima@gmail.com

واژگان کلیدی	چکیده
قرآن، جنبه بلاغی، تقدیم و تاخیر، نحوی و رتبی، معنا	یکی از وجوه اعجاز قرآن، جنبه بلاغی است که از نظر ظاهری و ساختاری با واژگان ارتباط تنگاتنگی دارد و از جمله تکنیک‌های آن بحث تقدیم و تاخیر است که بهره‌گیری از آن به گویاتر شدن کلام و فهم بهتر مخاطب کمک می‌کند، چنین تکنیکی علاوه بر نظام‌مند و اصولی بودن، موجب زیبایی اسلوب، شیوایی تعبیر و حسن سبک نیز می‌شود. این پژوهش در پی آن است که با توجه به اهمیت این اسلوب، با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی دلایل بلاغی تقدیم و تاخیر از دو جهت نحوی و رتبی در سوره روم بپردازد تا علاوه بر یافتن دلایل بلاغی آن، به میزان تأثیرگذاری این اسلوب در دلالت واژگان نیز دست یابد. نتیجه این پژوهش بیانگر آن است که مهمترین اسباب بلاغی تقدیم و تاخیر از دو جهت نحوی و رتبی به معنا برمی‌گردد؛ بدین گونه که در پس جابه‌جایی واژگان چه از نظر نحوی و چه رتبی، معنایی نهفته است که گوینده به جهت برجسته‌کردن و مهم جلوه‌دادن آن به این شیوه پرداخته است؛ بنابراین تقدیم و تاخیر نه تنها تأثیر مهمی در افزایش دلالت واژگان و زیبایی آن دارد، بلکه به منظور انتقال قصد و هدف مشخصی به کار می‌رود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰	
مقاله علمی پژوهشی	

### ۱. مقدمه

بسیاری از اندیشمندان مسلمان از آغاز نزول وحی تا کنون به موضوع اعجاز قرآن پرداخته‌اند و این نشانگر اهمیت چنین موضوعی است، اشخاصی همچون جاحظ، واسطی، رمانی و... کتاب‌های ارزشمندی در این زمینه نوشته‌اند. چنین پژوهش‌هایی بیانگر تازگی، طراوت و عدم فرسودگی قرآن است؛ بنابراین هرچه درباره این کتاب غور و دقت بیشتری به عمل آید، حقایقی آشکار خواهد شد که بر پژوهشگران پیشین آن مکشوف نگردیده است. امام علی (ع) نیز درباره اهمیت و عظمت قرآن، به این حقیقت که قرآن ویژگی «نهایت ناپذیری» دارد، اشاره نموده‌اند و در این باره می‌فرمایند: «قرآن ظاهری زیبا و باطنی عمیق دارد، شگفتی‌های آن بی پایان و تازه‌هایش فرسوده نمی‌شود». (تمیمی، ج: ۱، ۲۳۶).

قرآن به جهت داشتن اعجاز بلاغی از امتیاز ویژه‌ای نسبت به سایر کتب برخوردار است و این یکی از جاذبه‌های آن است که می‌توان علاوه بر کشف اسرار و حکمت‌های فراوان، معانی تازه‌ای از واژگان قرآن استخراج نمود. از مهم‌ترین شیوه‌های بلاغی قرآن، بحث تقدیم و تاخیر است که زیبایی و جذابیت خاصی به آیات قرآن بخشیده است و بررسی آن، نکات فراوانی را برای مخاطب آشکار می‌کند. اسلوب تقدیم و تاخیر واژگان و عبارات در ظاهر اگرچه ممکن است باعث ابهام گردد، اما بررسی دلایل بلاغی این جابه‌جایی تأثیر بسزایی در درک معنا و قصد و هدف اصلی این اسلوب دارد و نه تنها به زیبایی و گیرایی هر چه بیشتر در راستای درک بهتر از مفهوم آیات قرآن می‌انجامد، بلکه گویای این امر است که تقدیم و تاخیر موجود در آیات بی‌دلیل نیست، و گوینده در پی بیان نکته‌ای می‌باشد و می‌خواهد از طریق به کارگیری این اسلوب، فهم شنونده را به آن معطوف کند. این پژوهش در پی آن است تا با بررسی دلایل بلاغی تقدیم و تاخیر در سوره روم به عنوان سوره‌ای که دربردارنده گونه‌های مختلف وجوه اعجاز از جمله اشتغال بر اخبار غیبی و مهمتر از آن اعجاز بلاغی می‌باشد بپردازد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که از نظر بلاغی چه عللی در تقدیم و تاخیر واژگان در این سوره مؤثر است؟ و قصد و هدف خداوند از کاربرد اسلوب تقدیم و تاخیر در واژگان این سوره چه بوده است؟ جهت بررسی پرسش‌های مذکور نویسندگان ابتدا به تشریح مباحث نظری و سپس به بررسی علل تقدیم و تاخیر در واژگان این سوره از دو جهت نحوی و رتبی پرداخته‌اند و همچنین با بررسی علل بلاغی این تقدیم و تاخیرها درصدد ارائه درک بهتری از مفاهیم آیات این سوره می‌باشند. از آنجا که جنبه اعجاز بلاغی قرآن کریم ارتباط تنگاتنگی با ساختار واژگان دارد، بنابراین عوامل بلاغی مختلفی چون تفخیم، اختصاص، غلبه و کثرت، ... می‌تواند در بحث تقدیم و تاخیر صورت گرفته در آیات مؤثر باشد.

### ۱.۱. سوره روم

در سوره روم به طور کلی از وعده نصرت الهی سخن گفته شده و به تبیین قوانین تکوینی و تشریحی مانند مودت و رحمت بین انسان‌ها و بحث ازدواج و نهی از رباخواری و... پرداخته است. در پژوهش حاضر با توجه به تقدیم و تاخیرهای فراوانی که در آیات این سوره وجود دارد به انتخاب آیاتی پرداخته شده است که از یک سو برخی از آنان به آیات خداشناسی معروف بوده و از بحث خلقت آغاز شده و به معاد خاتمه می‌یابد و این آیات اگرچه از نظام نحوی عرب عدول کرده‌اند و به صورت تقدیم خبر شبه جمله بر مبتدا هستند؛ اما آمدن آیات بدین صورت سبب برجستگی و اهمیت معانی است که در پس این تقدیم و تاخیرها وجود دارد و از سوی دیگر، آیاتی جهت بررسی واژگانی که از نظر رتبی نسبت به هم دارای تقدیم و تاخیر هستند، انتخاب گردیده‌اند که تقدیم و تاخیر رتبی در آنان به جهت معنا از برجستگی و اهمیت بیشتری نسبت به سایر آیات برخوردارند.

### ۲.۱. پیشینه پژوهش

تقریباً بیشتر کتب بلاغی، نحوی و تفسیری همچون (دلایل الاعجاز) جرجانی، (الکتاب) سیوییه و (تفسیر کشاف) زمخشری که به موضوع تقدیم و تاخیر پرداخته‌اند را می‌توان در زمره پیشینه این پژوهش قرار داد، همچنین برخی پژوهش‌ها نیز به طور اختصاصی این موضوع را درباره سوره‌های قرآن مورد بررسی قرار داده‌اند که از جمله این موارد می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

۱. کتاب « دلایل الاعجاز في القرآن » از عبدالقاهر جرجانی که در آن به مباحثی چون نحو، فصاحت و بلاغت ... پرداخته است و بخشی از این کتاب نیز اختصاص به مبحث تقدیم و تاخیر دارد که برای تقدیم دو وجه (تقدیم با حفظ نیت تاخیر و تقدیم بدون حفظ نیت تاخیر) را بیان می‌کند و معتقد است که در بحث تقدیم و تاخیر این که لفظی را از جایی برداشته و در محلی دیگر نهاده شده است، سبب توجه بیشتر خواننده شده و و با توجه به کلمه مقدم شده حالاتی چون نشاط، اندوه... به او دست می‌دهد.

۲. مقاله‌ای با عنوان (تقدیم و تاخیر و بازتاب آن در ترجمه قرآن) از محمود شهبازی و احمد امیدعلی در پاییز ۱۳۹۶ و در فصلنامه علمی- پژوهشی « پژوهش‌های ادبی- قرآنی منتشر شده است و در آن به بررسی زیباشناسانه این اسلوب و ظرافتهای آن پرداخته است و نیز در پی بیان این نکته است که زیبایی اسلوب (تقدیم و تاخیر) در پرتو نظریه سیاق یا نظم واژگان قابل فهم بوده و با توجه به این نظریه، ترجمه قرآن از آن جهت که دارای نظم فرا بشری می‌باشد، مشکل است؛ اما با وجود این موارد می‌توان با یافتن معادلی مناسب در زبان مقصد به ترجمه برخی از تقدیم و تاخیرها اهتمام ورزید؛ با وجود این که معمولاً تقدیم و تاخیرها در ترجمه‌های مورد بررسی نادیده گرفته می‌شود.

۳. مقاله‌ای با عنوان «واکاوی معنای معنا و بررسی زیبایی شناسی آن در قرآن کریم (مطالعه موردی تقدیم و تاخیر در ده آیه متشابه)» نگارش شهریار همتی و دیگران در پاییز ۱۳۹۷ و در مجله مطالعات ادبی متون اسلامی منتشر شده است، نگارندگان در این پژوهش توانسته‌اند با مقایسه تقابل‌های متناسب آیات تقدیم و تاخیر، و نیز با کمک معنای معنا و دلالت‌های جانبی، روزه‌ای تازه از زیبایی‌های بیانی قرآن بگشایند و به این نتیجه دست یابند که تقدیم و تاخیر واژه‌های قرآن علاوه بر اینکه از اصول و ضوابطی نظام‌مند پیروی می‌کنند، بیانگر نوع چینش واژگان قرآن می‌باشد که متأثر از مفهوم سیاق و بافت کلام است و همین امر باعث شده قرآن کریم از وحدت موضوعی و اعجاز بی‌ظنیری در میان سایر کتب بهره‌مند شود.

پژوهش‌هایی که در باب بررسی تقدیم و تاخیر در قرآن انجام شده است، گویای این هستند که هر کدام از یک نگاه و زاویه‌ای خاص به این مبحث پرداخته‌اند؛ بنابراین پژوهش حاضر نیز از جنبه خاصی به بررسی علل بلاغی تقدیم و تاخیر در سوره روم پرداخته و از نگرش جزئی‌تری برخوردار است؛ چرا که بررسی این علل از دو جهت نحوی و رتبی در پی بیان این مسئله است که در پس آیات معانی نهفته است که به جهت اهمیت آن معانی به صورت مقدم و موخر آمده‌اند و بررسی علل بلاغی آن‌ها در شناخت این معانی حائز اهمیت است.

## ۲. مبانی نظری

### ۲.۱. تعریف اعجاز

اعجاز از ریشه (عجز) مصدر باب افعال است که به معنای ناتوان ساختن و یا ناتوان یافتن کسی یا چیزی به کار رفته است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹: ۵۸) در علم کلام نیز اعجاز از جمله اصطلاحات آن است و به معنای امری خارق العاده و شگفت همراه با تحدی است که خداوند آن را به دست پیامبرش پدید آورد تا گواه راستی رسالت او باشد. (حلی، ۱۳۰۵ : ۲۷۱)

### ۲.۲. اعجاز قرآن و وجوه مختلف آن از دیدگاه قدما و معاصران

با وجود اختلاف نظرانی که در زمینه اعجاز قرآن میان اندیشمندان مسلمان وجود دارد؛ این موضوع از گذشته تاکنون

به عنوان یک واقعیت مهم مطرح بوده است. از این رو دانشمندان اسلامی از قرون اولیهٔ اسلام تاکنون پیوسته کتاب‌هایی پیرامون اعجاز قرآن نگاشته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به جاحظ، رمانی، واسطی، باقلانی، رافعی... اشاره کرد، هر کدام از این بزرگان نه تنها آثار ارزشمندی در زمینه بلاغت و اعجاز قرآن از خود برجای گذاشته‌اند، بلکه نظریه‌هایی را در این باره ارائه نموده‌اند. به عنوان نمونه از میان گذشتگان، باقلانی اعجاز قرآن را دارای سه وجه می‌داند: ۱. جنبه آگاهی قرآن نسبت به اخبارییبی آینده. ۲. جنبه وحیانی بودن قرآن که موجب آگاهی پیامبر اسلام از اخبار، آثار، داستآن‌ها و سیره گذشتگان گردید. ۳. بدیع و نو بودن ساختار و نظم قرآن که بخشی از آن مربوط به اسلوب خاص و منحصر به فردی است که در سراسر این کتاب آسمانی وجود دارد و موجب تمایز آن از سایر کتب و نیز کلام بشری گردیده است، ضمن اینکه چنین فصاحت و بلاغتی در کلام بلیغان عرب هم دیده نشده است. (باقلانی، ۱۱۱۹: ۳۳-۳۶) اهمیت این وجه اعجاز (جنبه بلاغی) از نظر باقلانی به اندازه‌ای است که او بخش بزرگی از کتاب خود را صرف پرداختن به این موضوع کرده است. از میان معاصران نیز مصطفی صادق رافعی در کتاب (اعجاز قرآن و بلاغت محمد)، پس از آنکه اعجاز قرآن را از نظر تاریخی و اشتمال بر حقایق علمی بررسی نموده است، جنبه ادبی و بلاغی قرآن را جهت اثبات اعجاز قرآن، مورد تأکید ویژه قرار داده است. (رافعی، ۱۳۶۱: ۱۲۶). به عقیدهٔ رافعی اگر قرآن دارای اعجاز بلاغی و فصاحت و بلاغت نبود حتی با وجود داشتن جنبه‌های دیگر اعجاز، با گذشت زمان همچون سایر کتابهای معمولی، اهمیت خود را از دست می‌داد. (همان: ۱۲۹).

### ۳.۲. اعجاز بلاغی قرآن

قرآن از نظر اسلوب و بلاغت بی نظیر خود، یک معجزه الهی به شمار می‌رود و بررسی این موضوع از لحظهٔ نزول وحی تاکنون ادامه داشته است. چنان که از همان آغاز بعثت، مساله اعجاز بیانی قرآن، در میان اقوام عرب بر سر زبان‌ها افتاد و قریش را وادار به اعتراف نسبت به اعجاز بیانی قرآن نمود، بیانی که هیچ یک از بلیغان عرب و زبان‌آوران برخوردار از ذوق و استعدادهای زبانی نتوانستند راهی جز آن در پیش گیرند و ناچار نسبت به این حقیقت معترف شدند که این بیان و گفتار از نوع گفته‌های بشر نیست. (عبدالرحمن بنت الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۷).

از آن جا که بلاغت دارای حد و مرزهای نامشخصی است، هیچ کس نمی‌تواند به تمام جوانب و اقسام آن احاطه یابد اما قرآن در تمام فنون نویسندگی وارد شده است و در هر مورد چنان سخن گفته که دیگران را از معارضه، عاجز و ناتوان ساخته است و چنین احاطه‌ای بر فنون بلاغت، آن هم به صورتی که دیگران را در هر بخش عاجز و ناتوان سازد، عادتاً بر بشر محال است. (خویی، ۱۳۶۳: ۴۲). موضوع اعجاز (بلاغی) قرآن در آغاز همراه با دیگر مسائل به ویژه مسائل مرتبط با نبوت و معجزه، مورد بررسی قرار می‌گرفت، اما زمانی نگذشت که در قرن سوم هجری کتاب‌های مستقلی در این باره نگاشته شد، که از آن میان می‌توان به کتاب‌هایی همچون: کتاب (نظم القرآن) جاحظ و (نظم القرآن) سجستانی، کتاب‌های (اعجاز القرآن) واسطی، خطابی، باقلانی، کتاب (دلایل الاعجاز) جرجانی و کتاب (نهاية الايجاز) فخر رازی اشاره نمود، علاوه بر آن از میان متأخران نیز کسانی همچون سیوطی و محمد عبده فصل‌هایی از کتاب‌های خویش را به بررسی مسألهٔ اعجاز قرآن اختصاص دادند. (عبدالرحمن بنت شاطی، ۱۳۷۶: ۱۴-۳) در قرن معاصر نیز کسانی همچون شیخ جواد بلاغی در تفسیر «آلائ الرحمن»، سید هبه الدین شهرستانی در کتاب «المعجزة الخالدة» و سید محمد طباطبایی

در تفسیر «المیزان»، موضوع اعجاز قرآن را مطرح نمودند. مصطفی صادق رافعی نیز کتابی با عنوان اعجاز قرآن و بلاغت محمد(ص) نگاشته است که درباره جنبه‌های ادبی و بلاغی آیات قرآن است و در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد. (خوبی، ۱۳۶۳: ۱۴).

#### ۴.۲. تقدیم و تاخیر در علم بلاغت

بلاغت، در لغت به معنای شیوایی، رسایی و در اصطلاح، مطابقت کلام با مقتضای حال مخاطب است و به سه شاخه معانی، بیان و بدیع تقسیم می‌شود. از آن جا که دانش بلاغت مبتنی بر ترتیب واژگان و چینش آن در کلام است، اسلوب تقدیم و تاخیر جایگاه بس وسیعی در این علم دارد تا بتواند از این طریق بیشترین تأثیر را بر مخاطبان داشته باشد. (همتی و دیگران، ۱۳۹۷، ۷۲). واژه (تقدیم) از ریشه (قدم) در باب تفعیل است که به معنای جلو انداختن و پیش آوردن چیزی بر چیز دیگر است. (فراهیدی، ۱۴۲۵، ج ۳: ۱۴۴۹) و واژه (تاخیر) از ریشه (أخر) در باب تفعیل به معنای چیزی را پس از چیز دیگر آوردن است. (همان: ۶-۷). حقیقت تقدیم و تاخیر عبارت است از: تبادل در جایگاه و مکان واژگان؛ بدین گونه که واژه در آغاز کلام جایگاه خود را ترک می‌کند تا واژه‌ای دیگر جای آن را پر کند و از این رهگذر، هدف و مقصود بلاغی به دست آید و گونه‌ای آشنایی زدایی سیاقی صورت گیرد. (کوهین، ۱۹۸۶، ۱۸) با توجه به اهمیت این مبحث در بلاغت، بزرگان عرب نیز مطالبی درباره این مسئله بیان کرده‌اند که به چند مورد از آن اشاره می‌کنیم: ضیاء الدین ابن اثیر اسلوب تقدیم و تاخیر را در بردارنده اسرار و لطائف بلاغی متنوعی می‌داند و آن را بابت طولانی به شمار می‌آورد. (ابن اثیر، ۱۹۸۳، ج ۱: ۱۷۵). عبدالقاهر جرجانی نیز این اسلوب را بابت سرشار از فایده و زیبایی دانسته که در آن همواره معانی بدیع و نوظهوری تجلی می‌یابد. (جرجانی، ۱۹۶۹، ۸۳) در میان معاصران نیز خلیل عمایرة در باب تقدیم و تاخیر چنین می‌گوید: تقدیم و تاخیر عبارت است از انتقال واژه‌ای از مکان اصلی خود به جایی دیگر که به این ترتیب سبک کلام دگرگون شده و معنای آن تغییر می‌یابد و گوینده کلام واژگانی را که جایگاه اصلی آن‌ها در ابتدای کلام است را به خاطر اظهار و ترتیب معانی موخر می‌کند و یا واژگانی که جایگاه آن‌ها در آخر کلام است، در ابتدای جمله می‌آورد. (عمایرة، ۱۹۸۴، ۸۸-۹۰)

#### ۵.۲. انواع تقدیم و تاخیر

قدما و معاصرین حوزه بلاغت و علوم قرآن تقسیم‌بندی‌های مختلفی در باب تقدیم و تاخیر ارائه داده‌اند که به صورتی جامع می‌توان چنین بیان کرد: «۱. نحوی و جویی: در ساختار نحوی جمله، جابه‌جایی صورت گرفته در ساختار نحوی جمله جز قواعد نحوی الزام آور است. ۲. نحوی جوازی: در این نوع، گوینده به جهت ایجاد بلاغت معنایی و زیباشاخی به دلخواه خود در ساختار جمله جابه‌جایی ایجاد می‌کند که عبارت یا واژه جابه‌جا شده در نقش و اعراب پیشین خود باقی مانده و یا نقش و اعراب تازه‌ای می‌گیرد. ۳. نحوی اضطراری: گوینده به جهت رعایت سجع و نظم به جابه‌جایی می‌پردازد. ۴. رتبی: تقدیم و تاخیر مطابق با قواعد نحوی است و تنها به جهت وجود حکمت‌هایی به این صورت آمده‌اند. ۵. تفسیری: تقدیم و تاخیر در آیات بستگی به دیدگاه تفسیری مفسر دارد. ۶. مقایسه‌ای: بدین صورت که واژه و یا عبارتی در آیه‌ای مقدم و در آیه دیگر موخر شده است.» (جواد، ۱۴۰۰: ۴۴-۵۰) پژوهش حاضر، مهم‌ترین اسباب بلاغی تقدیم و تاخیر را از دو جهت نحوی و رتبی مورد بررسی قرار داده است؛ چرا که بیشترین کارکرد را در سوره روم دارند.

### ۳. بررسی دلایل بلاغی تقدیم و تاخیر در سوره روم

این بخش به دو قسمت تقسیم می‌گردد که در ابتدا به بررسی علل بلاغی آن دسته از آیاتی پرداخته می‌شود که تقدیم و تاخیر در ظاهر سبب عدول از نظام نحوی عرب شده و به صورت تقدیم شبه جمله بر مبتدا هستند؛ اما هدف، بررسی آن معنایی است که در پس این تقدیم و تاخیرها نهفته است و بخش دیگر به بررسی واژگانی پرداخته می‌شود که از جهت رتبی نسبت به هم دارای تقدیم و تاخیر هستند.

#### ۳.۱. از جهت نحوی

در این بخش جابه‌جایی صورت گرفته در آیات هم جز قواعد دستوری و نحوی الزام‌آور است (نحوی وجوبی) و هم گوینده به دلخواه خود به جابه‌جایی در ساختار نحوی جمله پرداخته است (نحوی جوازی) و عامل مشترک هر دو بخش، وجود دلایل بلاغی است که در شکل‌گیری این نوع تقدیم و تاخیرها که از جهت معنارسانی بسیار مؤثر هستند، نقش ویژه‌ای دارند. آیه زیر با تعبیر (من آیاته...) آغاز گردیده است و به یکی از نشانه‌های پروردگار که همان آفرینش آدمی از خاک است، اشاره دارد. آیاتی از این دست به آیات خداشناسی معروف است چرا که بازگوکننده دلائل توحیدی و نشانه‌های خداشناسی در نظام عالم هستی هستند و بخش مهمی از آیات توحیدی قرآن را تشکیل می‌دهند و از آهنگ مخصوص، لحن گیرا و تعبیرات موثر و عمیقی برخوردارند. مقدم شدن عبارت (من آیاته...) به عنوان خبرمقدم بر مبتدای موخر که در پی آن می‌آید، نشان دهنده عدول از نظام دستوری معروف عرب است که به ترتیب از ترکیب فعل، فاعل و مفعول پدید می‌آید و این عدول بر مهم‌ترین نکته بلاغی که همان اهتمام و توجه به محتوای آیه است، دلالت دارد؛ چرا که معمولاً از این ساختار (تقدیم خبر شبه جمله بر مبتدا) برای تأکید استفاده می‌شود، خداوند نیز برای افزودن توجه بندگان نسبت به نشانه‌های الهی خویش چنین ساختاری را به کار برده است.

#### ۱. مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ (روم/۲۰)

این آیه بیانگر آفرینش انسان از خاک است، نوع (إذا) در آیه، فجائیه است که به پراکنده شدن انسان‌ها به طور ناگهانی بر روی زمین اشاره دارد. (زمخشری، ۱۳۷۴، ج ۳: ۴۷۲). خبر مقدم (من آیاته) اشاره به «یکی از نشانه‌های پروردگار دارد که حاکی از یگانگی او است و اگر چه خداوند قابل رؤیت نیست اما توحید و یگانگی او در آفرینش مخلوقاتش پدیدار است.» (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۳: ۴۱۰) قبل از پرداختن به اهمیت مسئله آفرینش آدمی از خاک باید این نکته را متذکر شویم که اگر تقدیم و تاخیر بدین صورت مقدم شدن شبه جمله بر مبتدا نبود، آیه از جهت نحوی دارای اشکال می‌شد؛ چرا که از نظر نحوی چنین تقدیم‌هایی واجب است و چه بسا در پس آیاتی با چنین ساختاری، معانی نهفته است. هر چند برخی از بزرگانی چون فاضل صالح السامرای در حوزه بلاغت بر این باور است که تقدیم تاخیرهای وجوبی دلالت معنایی ندارند بلکه جهت حفظ ساختار و عدم اختلال در آن به این صورت آمده‌اند. با توجه این مسئله که بیشتر آثار نوشته شده در باب بلاغت از جمله جرجانی در دلائل الاعجاز دلایل مختلفی را جهت مقدم یا موخر شدن آورده است مانند تفخیم، اختصاص... بنابراین می‌توان گفت که در پس تقدیم و تاخیر به طور کلی معانی نهفته است که به جهت برجسته و اهمیت جلوه دادن آن بدین صورت آمده است. ازین رو خلقت بشر از خاک و پراکنده شدن آنان در سراسر زمین یکی از نشانه‌های خداشناسی و توحید محسوب می‌شود، چرا که متولد شدن موجودی زنده و ارزشمندی چون انسان از ماده

مرده و بی جانی همچون گِل یکی از شگفتی‌های عالم آفرینش است که هیچ کس جز خداوند بزرگ قادر به انجام آن نیست. برای مقدم شدن خبر جار و مجرور (من آیات) در این آیه علاوه بر اهتمام و توجه به محتوای آیه، می‌توان دو دلیل بلاغی دیگر نیز در نظر گرفت: ۱. اختصاص (تقدیم ما حقه التاخیر) که سبب تقدیم خبر بر مبتدا شده است، در حالی که خبر می‌بایست بعد از مبتدا ذکر می‌شد. وجود این دلیل بلاغی که سبب تقدیم خبر گردیده است بدین جهت می‌باشد که اگر خبر موخر بود، قصد و هدف اصلی خداوند که ذکر یکی از نشانه‌های خداشناسی است، از بین می‌رفت زیرا خداوند از طریق این نشانه‌ها در پی هدایت بشر بوده است تا او را به تفکر و تعمق در آن نشانه‌ها وادار کند و اولین نشانه را نیز آفرینش آدمی از خاک بیان می‌کند، بدین سبب که توجه آدمی به عنصر خلقت خود (خاک) موجب از بین رفتن غرور، ترغیب به پرستش و نیز برطرف شدن شک و تردید نسبت به مسئله‌بعث و حشر و اجتناب از کفر ورزیدن انسان می‌شود. ۲- تشویق به متأخر؛ زیرا با مقدم شدن خبر، مخاطب برای شنیدن ادامه مطلب تشویق و ترغیب می‌شود. از این رو آمدن تقدیم و تاخیر در آیه فوق اگر چه در ظاهر طبق نظام نحوی عرب آمده است؛ اما چنین ساختاری به جهت تامل واداشتن مخاطب نسبت به یکی از نشانه‌های خداوند که بحث خلقت آدمی از خاک است، می‌باشد که این اندیشه و تامل به عدم داشتن کبر و غرور انسان و خواری و حقیر بودن وی در برابر قدرت پروردگار منتهی می‌گردد و این یکی از معانی پنهان در پس چنین ساختاری است؛ براین اساس اگر مبتدا در آغاز آیه یعنی در جایگاه خود قرار می‌گرفت از درجه اهمیت معنای آن تا اندازه زیادی کاسته می‌شد.

۲. وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ (روم/۱۲) / وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِئذٍ يَتَفَرَّقُونَ (۱۴) / وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ (۵۵) /

در آیات فوق واژه (یوم) مفعول فیه و به ترتیب متعلق به افعال (یبلس، یتفرقون، یقسم) است و منظور از آن، روز قیامت است که مقدم شدن آن بر فعل نشان از نکته‌ای بلاغی دارد که آن، تهویل و تخویف است؛ یعنی هولناک و خوف انگیز نشان دادن روز قیامت و حوادث آن برای بدکاران و چه بسا اگر این واژه موخر می‌شد، قصد پروردگار که اهتمام و توجه به هولناک نشان دادن آن روز برای بدکاران است، از بین می‌رفت. از سوی دیگر آیه ۱۲ در ادامه توضیح آیه قبل می‌باشد که در آن از بازگشت مخلوقات به سوی خداوند سخن به میان آمده است و از نظر ابن عاشور جمله «یوم تقوم الساعة...» نوعی بیان و اطناب برای آیه قبلی به شمار می‌رود تا خداوند برهولناک بودن و ناگهانی بودن برپایی روز قیامت و ترس از حوادث آن روز بیافزاید ضمن اینکه در دو آیه بعد نیز عبارت «یوم تقوم الساعة...» دوباره تکرار شده است. (ابن عاشور، ج ۶۲: ۲۱) ، در این دو آیه نیز، مقدم شدن واژه (یوم) به جهت تهویل و تخویف است.

۳. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُهُمْ وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (روم/۴۷).

« در این آیه خبر کان (حقاً) بر اسم آن (نصر المؤمنین) مقدم شده است. به این معنا که یاری دادن اهل ایمان از حقوق حتمی آنان بر خداوند است و یکی از سنت‌های الهی انتقام از دشمنانی است که موجب اذیت و آزار بندگان خاص الهی شده‌اند.» (ابن عجیبه، ۲۰۱۰، ج ۴: ۳۵۰) از این رو مقدم شدن واژه (حق) به عنوان یکی از سنت‌های حتمی الهی علاوه بر تأکید و توجه نسبت به وعده حتمی خداوند (یاری مومنان)، موجب دلگرمی اهل ایمان و امیدواری آنان در پیروزی بر مجرمان می‌شود و از آنجا که مومنان مستحق و مستوجب نصرت الهی هستند، ترک یاری خداوند به آنان خلاف حکمت و خلف وعده به شمار می‌رود و که ذات الهی منزّه از آن است، نکته دیگر در این تقدیم به جهت اظهار تعظیم نسبت

به اهل ایمان، بالا بردن جایگاه آنان و تکریم خداوند نسبت به ایشان در برابر مجرمان و گناه کاران نیز می‌باشد. از سوی دیگر خداوند در این آیه شریفه با مقدم آوردن واژه (نصر) به عنوان خبرِ کان به هدف دیگری که همان تشویق و تحریک اراده مومنان در رویارویی با مجرمان و کافران است، اشاره دارد. از بررسی تقدیم و تاخیر واژگان این آیه مشخص می‌گردد که هر لفظی دارای جایگاه مخصوص به خود است و این ترتیب کاملاً در نظم قرآن و روابط میان الفاظ و معانی و فصاحت و سلاست آن‌ها رعایت شده و این یکی از اعجازهای بلاغی قرآن است.

۴. مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ. (روم/۳۱)

عبارت (منیبین الیه) حال از فاعل (أقیموا) است که بر آن مقدم شده است. (درویش، ۱۹۹۹: ۳۷) و (إنابه) از (نوب) مشتق شده که در لغت به معنای بازگشت پی‌درپی چیزی است و در اصطلاح به معنای بازگشت و رجوع به سمت خداوند از طریق توبه کردن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۷۷۵) از نظر بلاغی علت مقدم شدن حال در این آیه را می‌توان تفخیم (بزرگ جلوه دادن) موضوع إنابه دانست که «یکی از برترین مراتب توبه است و توبه، بازگشت از گناه است؛ اما إنابه افزون بر آن، بازگشت از مباحات نیز می‌باشد و آن از مقامات والا است.» (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۸۸). از طرفی، دلیل بلاغی دیگری نیز در تقدیم موضوع توبه بر امور دیگر یعنی تقوا، اقامه نماز و توحید وجود دارد که آن سببیت است؛ چراکه انسان خطاکار تا توبه نکند، اعمال نیکش نیز قبول نمی‌گردد. ازین رو با مقدم شدن بحث توبه، ضرورت و اهمیت آن نسبت به سایر امور آشکار می‌گردد. اقتضای فطرت آدمی، حرکت در مسیر خداوند و راه راست و انجام کارهای نیک می‌باشد که خداوند در این آیه، شکوفایی گرایش فطری و درونی نسبت به دین را با إنابه و تقوا و نماز بیان می‌کند، گاهی عوامل شیطانی انسان را از مسیر خداوند و راهی که فطرت خداداد برای انسان ترسیم کرده، منحرف می‌سازد و انسان را به بدی و انجام گناه وادار می‌کند؛ در این صورت، إنابه به معنای بازگشت به مسیر صحیح و راهی است که خداوند برای انسان معین کرده است و پاسخ دادن به ندای فطرت می‌باشد که خداوند با مقدم داشتن بحث إنابه بر تقوا و نماز و پرهیز از شرک به اهمیت آن اشاره می‌کند.

### ۲.۳. از جهت رتبی

در این بخش، واژگانی مورد بررسی قرار گرفته است که بنا بر حکمت‌هایی در پی یک دیگر بیان شده‌اند و دارای مراتب رتبی نسبت به یک دیگر هستند. این دسته از آیات از جهت معنارسانی دارای پیام‌های ظریف و دقیقی بوده که شایسته است مورد توجه قرار گیرند. لازم به ذکر است که چهار آیه ابتدایی در این بخش با عبارت (من آیاته...) آغاز می‌شود و از آیات خداشناسی به شمار می‌رود. آنچه که در این آیات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، وجود تقدیم و تاخیرهایی می‌باشد که از جهت رتبی در واژگان این آیات رخ داده است و اشاره به نکته مهمی دارد که در ذیل هر آیه به آن پرداخته می‌شود:

۱. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم/۲۱).

شروع آیه فوق با (من آیاته) است که اشاره به یکی از نشانه‌های پروردگار دارد یعنی آفرینش همسرانی از جنس خود انسان‌ها برای ایشان. اما آنچه که از نظر تقدیم و تاخیر در این آیه مورد توجه است، تقدیم و تاخیری است که از نظر رتبی

در واژگان (مودّة / رحمة) ایجاد گردیده است. «از نظر زمخشری واژه (المودة) کنایه از جماع و واژه (الرحمة) کنایه از فرزند است.» (زمخشری، ۱۳۷۴، ج ۳: ۴۷۳) طبق این معنا، برای مقدم آوردن واژه (مودّة) نسبت به (رحمة) می توان علاوه بر اهتمام و توجه به محتوای آیه که همان مسئله ازدواج است، به دو نکته بلاغی دیگر نیز اشاره کرد که این دو نکته نیز به اهمیت بحث ازدواج اشاره دارد: ۱. ذکر خاص بعد از عام که به دلیل اهمیت و توجه به شأن خاص، عام در ابتدا ذکر می شود. (هاشمی، ۱۳۹۳: ۲۴۵)؛ بنابراین کلمه (مودّة) عام و (رحمة) خاص است که اشاره به مهم ترین نکته اخلاقی یعنی ازدواج دارد و در دین اسلام به آن توصیه فراوانی شده که ثمره آن، داشتن فرزند حلال است. بنابراین جابه جایی این دو واژه از اهمیت مسئله ازدواج و ثمره آن می کاهد. ۲. ترتیب وجودی؛ بدین معنا که هر کدام از واژگانی که از نظر پیدایش در مرتبه نخست قرار دارد، می بایست ابتدا قرار بگیرد. (همان: ۱۵۴) ازین رو در آیه، ابتدا ازدواج و سپس داشتن فرزند بیان شده است.

۲. وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافَهُ السِّنِّيَّاتِ وَ الْوَانِئَاتِ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ. (روم/ ۲۲).

این آیه نیز از آیات خداشناسی است که در آن به سه نشانه اشاره شده است: خلقت آسمان ها و زمین، گوناگونی گویش ها و تنوع نژادی. «اختلاف انسان ها از جهت رنگ پوست و زبان به عنوان عاملی جهت تمایز انسان ها از یکدیگر شناخته می شود.» (تیمی، ۱۴۲۵، ج ۲: ۶۵۲) زمخشری نتیجه گوناگونی و تنوع زبان ها، لهجه ها و... را، مصون ماندن از جهل و سردرگمی در موارد یکسان و به دور ماندن از اختلال در کارها می داند. (زمخشری، ۱۳۷۴، ج ۳: ۴۷۳). با توجه به چینش واژگان این آیه، سه تقدیم و تاخیر از نظر رتبی به چشم می خورد: ۱. تقدم خلقت آسمان ها بر زمین که مقدم شدن واژه آسمان نسبت به زمین در نظر برخی از مفسران گویای ترتیب وجودی یکی از این دو نسبت به دیگری است، ازسوی دیگر با توجه به این که واژه (السموات) به صورت جمع آمده است می توان گفت تقدم آن بر واژه (الارض) به دلیل کثرت است که منظور همان آفرینش هفت آسمان است و در آیه ۴۴ سوره اسراء (تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ ..) نیز به آن اشاره شده است. ۲. تقدم واژه خلقت آسمان و زمین بر واژه (اختلاف السنة وألوان) که به عقیده برخی مفسران مراد از (السنة) می تواند یکی از این سه موارد باشد: زبان های مختلف همچون فارسی، عربی و رومی، گونه های مختلف سخن گفتن و یا اصوات و نغمه های گوناگون (ألوسی، ۱۴۰۵، ج ۲۱: ۳۱) مهم ترین دلیل بلاغی در این آیه بحث اهتمام و توجه است و مقدم شدن خلقت آسمان ها و زمین نسبت به دو نشانه دیگر (تنوع زبان و نژاد) برای توجه دادن آدمی به اهمیت مسئله آفرینش است؛ چرا که خداوند در آیه ۱۹۰ سوره آل عمران، تفکر در آفرینش را نشانه خردمندی دانسته است. از نظر مفسران منظور از آیه بودن خلقت آسمان ها و زمین، آیه بودن خلقتی است که سازگار با زندگی بشر است و نه اصل خلقت آن ها؛ یعنی خدا آسمان ها و زمین را به گونه ای خلق کرد که هر آنچه را انسان برای بقا و رشد خود لازم دارد در اختیار او می گذارد. (پورسیف، ۱۳۸۳، ۸۷۳، ۳). تقدم واژه (السنة) بر (ألوان) بیانگر اهتمام و توجه به مسئله زبان است؛ زیرا زبان کارکردهای زیادی در زندگی آدمی دارد و مهم ترین وسیله ارتباطی انسان با دیگران است علاوه بر آن انتخاب رنگ پوست و نژاد از اختیار بشر کاملاً خارج است اما زبان و استفاده از کارکردهای مختلف آن امری اختیاری است، ازاین رو می توان چنین برداشت نمود که خداوند جهت تأکید و معطوف کردن توجه انسان به زبان و اهمیت آن در زندگی روزمره در این آیه، واژه زبان را مقدم بر رنگ پوست قرار داده است و در صورت جابه جایی این دو واژه ممکن است از اهمیت مسئله زبان نیز کاسته شود، از طرفی می توان عامل بلاغی دیگری نیز برای مقدم شدن واژه (السنة) در نظر گرفت و آن، غلبه و کثرت است که اشاره به گسترده تر بودن زبان ها و گویش های مردم جهان و شمار بالای آن از نظر کمی نسبت به

نشانه بعدی یعنی انواع نژادها دارد که دارای تعداد محدودی است. با توجه به این نکات بسیار مهم و ظریف می‌توان به این نتیجه رسید که امکان جابه جایی و دست بردن در چنین چینشی وجود ندارد.

۳. وَ مِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُسْمَعُونَ (روم، ۲۳).

از نظر زمخشری چیدمان اصلی آیه فوق چنین بوده است: (ومن آیاته منامکم وابتغایکم من فضله باللیل والنهار) به این معنا که خواب و کسب روزی متعلق به شب و روز است. البته او اذعان دارد که روش قرآن در انجام چنین تقدیم و تاخیری در الفاظ آیه کاملاً پسندیده و به جاست. (زمخشری، ۱۳۷۴، ج ۳: ۴۷۳). از نظر نحوی عبارت (باللیل والنهار) در آیه بالا متعلق به (منامکم) است و منظور از (منام) کسب آرامش و سکون و مراد از (ابتغاء) فعالیت و تلاش است. از نظر بلاغی مهم‌ترین علت تقدم واژه خواب بر کسب روزی، اهتمام و توجه به مسئله خواب و لزوم آن برای فعالیت‌های بشری است؛ چرا که اگر خواب و استراحت کافی نباشد، امکان توانایی برای کسب معاش هم وجود نخواهد داشت. از این رو یکی از بخش‌های حائز اهمیت در زندگی سالم، خواب است و کم خوابی و یا خواب بی کیفیت تأثیرات منفی بسیاری بر کارکرد جسم و ذهن انسان بر جای می‌گذارد. (بهرامی و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۸۴). قرآن نیز با مقدم کردن خواب به عنوان آماده کننده زمینه لازم برای فعالیت‌های روزمره آدمی، بر اهمیت آن تأکید کرده است، اهمیت این مفهوم در سوره نبأ نیز تأکید شده است (نبأ/۹-۱۱). از سوی دیگر تقدم واژه لیل بر نهار اشاره به اهمیت و اولویت خواب شبانه نسبت به روز است زیرا تأثیر خواب شب بسیار بیشتر از خواب روز است؛ به عقیده بسیاری از محققان مناسب‌ترین زمان برای خواب، ساعات اولیه شب تا نزدیک صبح است؛ بنابراین تأکید بر داشتن خواب مناسب و کافی و تقدم ذکر آن بر لفظ کسب روزی می‌تواند به جهت تجدید قوای جسمی و روحی انسان باشد که پایه کار و تلاش روزانه او به شمار می‌رود و نیز تقدم واژه لیل بر نهار به جهت اهمیت افزون خواب شب نسبت به روز است. دلیل بلاغی دیگر در رابطه با این تقدم، ترتیب وجودی است؛ به این معنا که خواب مقدمه و زمینه ساز برای کسب روزی است.

۴. وَ مِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

(روم/۲۴)

در این آیه از نظر نحوی واژه (خوفا) مفعول لأجله می‌باشد که واژه (طمعاً) به آن معطوف شده است و پیش از پرداختن به مسئله تقدیم و تاخیر رتبی (خوفا و طمعاً) بر خود لازم دانستیم تا مقصود از این دو واژه را از نظر برخی مفسران بیان کنیم. طباطبایی مقصود از این دو واژه را چنین بیان می‌کند: «خوف از برق یعنی ترس از نزول صاعقه و طمع به آن، یعنی امید بستن به بارش باران» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۶: ۲۵۳). زمخشری نیز با نظر طباطبایی موافق است و مقصود آیه را از واژگان خوف و طمع چنین بیان می‌کند: «(خوف) ترس از صاعقه است برای مسافر و منظور از (طمع) ریزش باران است برای اهالی یک منطقه.» (زمخشری، ۱۳۷۴، ج ۳: ۴۷۴). از نظر بلاغی مهم‌ترین دلیل تقدم رتبی واژه خوف نسبت به طمع، اهتمام و توجه به مسئله خوف است که با توجه به آیه از دو جهت قابل بررسی است؛ اول اینکه به هنگام ایجاد صاعقه اولین احساسی که در آدمی ایجاد می‌گردد، ترس نسبت به خطراتی است که وی را تهدید می‌کند؛ بنابراین به جهت غلبه و کثرت احساس خوف در آدمی نسبت به طمع، این واژه مقدم گردیده است و از سوی دیگر از آنجا که سرشت آدمی با طمع گیوند خورده است و انسان در هر کاری بدون توجه به وجود خطرات احتمالی آن، ابتدا پیرامون سود و منفعت خویش می‌اندیشد، ازین رو خداوند به جهت آگاه کردن و توجه دادن آدمی به مسئله احتیاط و سنجیدن همه

جانبه کارها و هوشیاری نسبت به خطرات، در ابتدا واژه خوف را بر طمع مقدم داشته است. بررسی چنین نکات بلاغی در آیات قرآن ذهن آدمی را به چنین نکته‌ای رهنمون می‌سازد که خداوند بزرگ از آوردن واژگان در هر جایگاهی که در آیات دارند در پی بیان قصد و هدفی است که موجب هدایت آدمی می‌گردد.

۵. فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (روم، ۳۸)

در این آیه واژه (ذوی القربی) به عنوان مفعول به اول بر سایر مفاعیل از جمله حق و دو واژه دیگر یعنی مسکین و ابن سبیل که بر کلمه ذوی القربی عطف شده‌اند، مقدم شده است. درباره دلیل بلاغی تقدّم کلمه ذوی القربی بر سایر مفاعیل موجود در آیه می‌توان به این موارد اشاره نمود: ۱. تأکید و تقویت اهتمام و توجه درباره رسیدگی به نزدیکان و خانواده. ۲. اراده ترتیب؛ به این معنا که در این آیه هرکدام از مستحقان رسیدگی و احسان به ترتیب اولویت ذکر شده‌اند. ۳. ذکر عام بعد از خاص و توجه به اینکه رسیدگی به حقوق مستمندان و در راه ماندگان در اولویت‌های بعد از خانواده و خویشاوندان قرار دارد. و این به جهت آن است که در مساله انفاق و احسان همیشه توجه و اهتمام قرآن بر روی نزدیکان و خویشاوندان است. البته در برخی تفاسیر منظور از ذوی القربی؛ ذریه و خویشان پیامبر ذکر شده است. (حویزی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۵۵) اما در صورتی که واژه ذوی القربی را به معنای عام آن یعنی خویشان و نزدیکان در نظر بگیریم، پی خواهیم برد که دلیل این تقدیم بر اساس اهمیت حقوق خویشاوندی است که دین اسلام توجه ویژه‌ای نسبت به آن دارد و در آیات و احادیث زیادی تحت عناوینی، همچون حق «ذی القربی» به آن تصریح شده است، زمخشری یکی از مصادیق حق در این آیه را «انجام صله رحم نسبت به خویشاوندان و دادن صدقه به مساکین و در راه ماندگان می‌داند.» (زمخشری: ۴۸۲). نظر طباطبایی درباره مفهوم حق در این آیه «مطلق احسان و یا خمس می‌باشد.» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۱۶۵) به هر جهت تأکید آیه بر ادای حقوق و شروع آن از نزدیکان و خانواده می‌باشد همانطور که آیه نیز با مقدم آوردن لفظ نزدیکان بر سایرین (نیازمندان و در راه ماندگان) بر اهمیت این مسأله تأکید نموده است زیرا اگر هر فرد در انجام حقوقی همانند احسان، صله رحم و انفاق از خانواده و نزدیکان خود شروع کند، بسیاری از مشکلات موجود در خانواده و به تبع آن جامعه برطرف می‌شود.

۶. اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ

عَمَّا يُشْرِكُونَ (روم/ ۴۰)

مقدم شدن واژه آفرینش بر سه فعل دیگر یعنی روزی دادن، میراندن و سپس زنده کردن در قیامت نشان از وجود یک نکته‌ای بلاغی است که ترقی نام دارد (هاشمی، ۱۳۹۳: ۱۴۲) و منظور از آن رعایت ترتیب از بالا به پایین است. به این معنا که در ابتدا خلقت است و بعد از آن، رزق و روزی دادن به مخلوقات و سپس میراندن و در نهایت زنده کردن مخلوقات در قیامت می‌باشد و تمام این موارد نشان از ترتیب است؛ بنابراین امکان جابه‌جایی این واژگان وجود ندارد و نمی‌توان در تقدیم و تاخیر این واژگان دست برد؛ قصد خداوند از بیان این ترتیب از بین می‌رود و این نیز از دیگر اعجاز بلاغی قرآن می‌باشد. از سوی دیگر «مقدم شدن ویژگی خالقیت بر رزاقیت و اِماتِه و اِحیا دلیل بر اهمیت وجدایی ناپذیری آن از موارد سابق است و اینکه خالقیت پرودگار مقدمه‌ای برای سایر این امور به شمار می‌رود.» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۱۹۵). با تامل در چینش و نظم واژگان آن و به طور کلی دقت در تقدیم و تاخیرهای به کار برده شده در قرآن می‌توان به درک بیشتری از زیبایی‌ها و نظم بدیع و تالیف شگفت آور قرآن در ارائه مطالب پی برد.

۷. اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ

الْقَدِيرُ (روم/۵۴)

در این آیه، ضعف در مقابل قوت قرار دارد و کلمه (من) در جمله (من ضعف) برای ابتدا است و آیه چنین معنی می‌دهد: خدا شما را از ضعف ابتدا کرد، یعنی شما در ابتدای خلقت ضعیف بودید و مصداق این ضعف اول طفولیت است هر چند ممکن است بر نطفه هم صادق باشد. مراد از قوت بعد از ضعف، رسیدن طفل به حد بلوغ و مراد از ضعف بعد از قوت دوران پیری است که در آن قوای روحی، جسمی، روانی انسان رو به ضعف و کاهش می‌رود و عطف کلمه (شبیبه) بر واژه (ضعف) تفسیری برای آن می‌باشد و نکره آوردن ضعف و قوت دلالت بر ابهام و معین نبودن مقدار آن است که موردی اختلافی است. (طباطبایی ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۳۰۷) زمخشری نیز طبق این آیه، «اساس آفرینش انسان را از ضعف دانسته که آن حالت مربوط به دوران تولد و کودکی بوده و رفته رفته چنین وضعی به حالت توانمندی در دوران جوانی تبدیل می‌شود و دوباره به حالت ناتوانی وضع در دوره سالمندی برمی‌گردد.» (زمخشری: ۴۸۲).

مهم‌ترین دلیل بلاغی برای مقدم شدن واژه (ضعف) بر (شَبِيهَة) که هر دو مفعول به برای فعل جَعَلَ هستند، بحث ترتیب وجودی است؛ چرا که پیری پدیده‌ای تدریجی بوده که در گذر زمان ایجاد می‌شود و انسان پیش از آنکه به مرحله پیری برسد، ابتدا آثار ضعف و ناتوانی بر او ظاهر می‌شود و قوای جسمی فرد کاهش پیدا می‌کند؛ بنابراین از آنجا که پیری امری ناگهانی نیست و پیش زمینه آن ضعف و ناتوانی است، خداوند با مقدم کردن واژه (ضعف) به عنوان مفعول به نخست فعل جعل و سپس آوردن واژه (شَبِيهَة) به عنوان مفعول به دوم به ترتیب وجودی این دو حالت در انسان که علایم آن یکی پس از دیگری در شخص ظاهر می‌شود اشاره دارد و طرح برخی از موضوعات طبیعی از جمله پدیده پیری در این آیه به جهت توجه دادن آدمی به نقش برجسته و مهم خداوند در تحقق این پدیده‌ها و اثبات قدرت و علم وی و رهنمون کردن آدمی به مسائل ماورای این عالم و در نهایت هدایت انسان می‌باشد. از سوی دیگر می‌توان علت تقدم واژه ضعف را خَفْت (سبکی) این لفظ نسبت به (شَبِيهَة) دانست که بر آن مقدم شده است. این نظم و هماهنگی درست واژه‌ها در جایگاه خود یکی از نشانه‌های اعجاز بلاغی قرآن کریم است و بهتر از این تقدیم و تاخیری که در واژگان آیات مشاهده می‌کنیم را نمی‌توان برای آن متصور شد؛ چرا که هر واژه نه تنها در جایگاه مناسب خود به کار رفته است، بلکه خداوند با انجام این کار به دنبال قصد و هدفی بوده است تا خواننده را متوجه آن سازد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت مسئله اعجاز قرآن کریم و اختلاف آراء در آن، اعجاز بلاغی نقطه مشترک دیدگاه همه اندیشمندان بوده است که بیشتر صاحب‌نظران، اساس تاثیرگذاری قرآن را از جنبه جذابیت و زیبایی آن دانسته که با اعجاز بلاغی قرآن کریم مرتبط است. یکی از اسلوب‌های اعجاز بلاغی، تقدیم و تاخیر است که با تامل و تفکر در چینش واژگان آیات قرآن و تقدیم و تاخیرهای صورت گرفته در آن، نه تنها درک بهتر اغراض و اهداف آیات مهم است، بلکه می‌توان زیبایی‌های موجود در آیات را نیز با این اسلوب کشف نمود. کاربرد این اسلوب از نظر بلاغی دارای دلالت‌های گوناگون و ویژه‌ای است که با بررسی آن‌ها در سوره روم چنین نتایجی حاصل گردید:

۱. در پس تقدیم و تاخیرهایی موجود در آیات، چه به صورت تقدیم شبه جمله بر مبتدا و چه از نظر واژگان، معانی نهفته است که بررسی علل بلاغی آن‌ها به عنوان وسیله‌ای برای درک بهتر آن معانی و اهمیت و ارزش والای آن‌ها حائز

اهمیت است.

۲. آیاتی که به صورت (تقدیم خبر شبه جمله بر مبتدا) هستند و در ظاهر مطابق با نظام نحوی که واجب است بدین صورت آورده شوند، به جهت برجسته کردن و اهمیت دادن و برانگیختن تامل آدمی نسبت به موضوعی خاص هستند؛ چنان که آیاتی که با عبارت (من آیاته...) شروع می‌شوند، جهت برجسته کردن نشانه‌های پروردگار و توجه دادن آدمی نسبت به عجز و ناتوانی وی در برابر قدرت پروردگار همچون آفرینش آدمی از خاک، آفرینش آسمان و زمین و ایجاد صاعقه و بارش باران، ... است، چرا که انجام چنین اموری از حیطة قدرت انسان خارج بوده و وجه اشتراک این آیات با چنین ساختاری جهت اشاره به مسئله توحید است.

۳. با توجه به این که سوره روم به تبیین بخشی از قواعد تشریحی و تکوینی می‌پردازد، بررسی دلایل بلاغی واژگانی که بنابر حکمت‌هایی دارای مراتب نسبی به هم هستند در دریافت مقصود و معنای اصلی پیام آیات موثرند چنان که مقدم شدن واژه (مودة) بر (رحمة) و یا (ذوی القربی) بر (مسکین)،... بر معانی چون ازدواج، توجه به خویشاوندان،... اشاره داشته که برخاسته از قواعد تشریحی و تکوینی‌اند و در جهت تاکید این معانی و با اهمیت جلوه دادن آن‌ها که در جهت رشد مادی، معنوی و هدایت آدمی به مسیر درست موثر هستند، به صورت تقدیم و تاخیر آمده‌اند.

## ۵. منابع

- قرآن کریم.

۱. آلوسی بغدادی، شهاب الدین سید محمود (۱۴۰۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲. ابن اثیر، ضیاء الدین (۱۹۸۳). المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر. تحقیق دکتر محمد الحوفی، الطبعة الأولى، بیروت: دارالرفاعی.

۳. ابن عاشور تونسسی، محمد الطاهر (۱۹۸۴). التحریر و التنویر «تحریر المعنی السدید و تنویر العقل الجدید من تفسیر الكتاب المجید». ج ۲۱، تونس: دارالتونسیة

۴. ابن عجیبه، احمد (۲۰۱۰). البحر المدید فی تفسیر قرآن المجید. جلد ۴، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارصادر.

۶. بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳). تفسیر القرآن. تحقیق: عبدالله محمود شحاته. بیروت: دار احیاء التراث.

۷. باقلانی، ابوبکر محمد بن طیب (۱۱۱۹). اعجاز القرآن. تحقیق سید احمد صقر، مصر: دارالمعارف.

۸. پورسیف، عباس (۱۳۸۱). خلاصه تفاسیر المیزان و نمونه. چاپ پنجم، تهران: نشر شاهد.

۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق سید مهدی رجایی، قم: دارالکتب الاسلامیه

۱۰. تیمی، یحیی بن سلام (۱۴۲۵). تفسیر القرآن. بیروت-لبنان: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

۱۱. جرجانی، عبدالقاهر (۱۹۶۹). دلائل الاعجاز. تحقیق محمد عبدالمنعم خفاجی، الطبعة الأولى، قاهره: مكتبة القاهرة

۱۲. حویزی، عبدعلی عروسی (۱۳۹۰). تفسیر نور الثقلین. ترجمه گروهی از فضلالی حوزه تفسیر، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۰۵). کشف الفوائد علامه حلی فی شرح قواعد العقاید. تبریز: مکتب اسلام.
۱۴. خوبی، سیدابوالقاسم (۱۳۶۳). مرزهای اعجاز. ترجمه جعفر سبحانی، تهران: کانون انتشارات محمدی.
۱۵. درویش، محی الدین (۱۹۹۹). اعراب القرآن الکریم و بیانہ. بیروت.
۱۶. رافعی، مصطفی صادق (۱۳۶۱). اعجاز قرآن و بلاغت محمد. ترجمه عبدالحسین ابن الدین، تهران: بنیاد قرآن.
۱۷. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۷۴). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقویل فی وجوه التأویل و هو تفسیر القرآن الکریم. ناشر: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). تفسیرالمیزان. مترجم: سیدمحمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام.
۲۰. عبدالرحمن بنت شاطی، عایشه (۱۳۷۶). اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. عمایره، خلیل احمد (بی تا). فی نحو اللغة و تراکیبها منهج و تطبیق. قاهرة: دارالمعارف.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۲۵). العین. قم: انتشارات اسوه.
۲۳. کوهین، جون (۱۹۸۶). بینة اللغة الشعرية. ترجمه: «محمد الولی، محمد المعری»، الطبعة الأولى، المغرب: الدار البيضاء.
۲۴. موسوی همدانی، سید محمد باقر (۱۳۷۴). ترجمه تفسیرالمیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۵. نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۳). جامع السعادات. تصحیح سید محمد کلانتر، نجف اشرف: جامعة النجف الدينية.
۲۶. بهرامی، محسن و دیگران (۱۳۹۶). «بررسی مقایسه‌ای علل و علایم بی‌خوابی در انسان از منظر طب سنتی ایران و طب نوین»، مجله طب سنتی اسلام و ایران، دوره ۸، شماره ۲، ص ۱۹۱-۱۸۳.
۲۷. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸). «توبه؛ جایگاه و فرایند تحقق آن»، معرفت. سال هجدهم، شهریور، ش ۱۴۱، ص ۱۲-۵.
۲۸. همتی، شهریار؛ ظفری، پژمان؛ محبتی، شمسی (۱۳۹۷). واکاوی معنای معنا و بررسی زیباشناسی آن در قرآن کریم مطالعه موردی: تقدیم و تاخیر در ده آیه مشابه. سال سوم، شماره سوم، پیاپی ۱۱، ص ۶۹-۹۵.

#### - The Holy Quran

29. Alousi Baghdadi, Shahabuddin Seyyed Mahmoud, (1405 AH): "roh al- maani fi tafsir al -quran al-azim va sab al- masani", dar al- ehya asar al-arabi.

30. Abdurrahman Bint Tahit, Ayesha (1376 AH), Ijaz Bayani Quran, translated by Hossein Sabri, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.

31. Balkhi, Maqatil bin Suleiman. (1423AH). Interpretation of the Qur'an. Investigation: Abdullah Mahmoud Shehata. Beirut: Dar Ihya al-Turath.
32. Bagalani, Abu Bakr Muhammad ibn Tayyib, (1119AH), The Miracles of the Qur'an, edited by Sayed Ahmed Saqr, Egypt: Dar Al-Maaref.
33. ahrami, Mohsen and others (2016AH), "Comparative study of the causes and symptoms of insomnia in humans from the perspective of traditional Iranian medicine and modern medicine", Journal of Traditional Medicine of Islam and Iran, Volume 8, Number 2, pp. 183-191.
34. Darvish, Mohiuddin, (1999AH): " erab al-quran al-azim va bayanoh", Damascus-Beirut.
35. Farahidi, Khalil bin Ahmad (1425), Al-Ain, Qom: Oswah Publications.
36. Jurjani, Abdul Qahir (1969AH): "dalael al- egaz", Research by Mohammad Abdul Moneim Khafaji, First Edition, Cairo: Cairo School.
37. Hawzi, Abd Ali Arousi, (1390AH), Tafsir Noor al-Thaqalayn, translated by Gruhi Az Fadali Hawza Tafsir, Qom: Book of Islam.
38. Hali, Hassan bin Yusuf (1305AH). Discovering the benefits of Allameh Hali in the explanation of the rules of faith. Tabriz: School of Islam.
39. Hemti, Shahryar; Zafari, Pejman; Mohebat, Shamsi (2017), "Analysis of the meaning of the meaning and its aesthetics in the Holy Qur'an, a case study: dedication and delay in ten similar verses", third year, number 3, serial 11.
40. Ibn Athir, Zia al-Din (1983AH): "al masal alsaer fi adab al-kateb va al-shaer", The research of Dr. Mohammad Al-Hofi, Beirut: Dar al-Rifa'i, First Edition.
41. Ibn Ashourtonsi, Muhammad Al-Taher, (1984AH), Tahrir and Enlightenment, "Liberation of the Good Meaning and Enlightenment of the New Mind from the Interpretation of the Glorious Book," Part 21, Tunis: Dar Al-Tunisiyah Publishing House.
42. Ibn Ajiba, Ahmed, (2010AH), Al-Bahr Al-Madid in the Interpretation of the Glorious Qur'an, Volume 4, Beirut: Scientific Book House.
43. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1414), Arab Language, Beirut: Dar Sader.
44. Khoyi, Seyida Abul-Qasim, (1363AH), Marzhai Ijaz, translated by Jaafar Sobhani, Tehran: Canon Insharat Mohammadi.
45. Kohin, June (1986AH), Binah Al-Lagha Al-Shaariyyah, translation: "Mohammed Al-Wali, Mohammad Al-Mari, first edition, Maghreb: Al-Dar Al-Bayda.
46. Mousavi Hamdani, Seyyed Mohammad Baqir, (1374 AH), translation of Tafsir al-Mizan, Qom: Islamic Publications Office of the seminary community.
47. Misbah Yazdi, Mohammad Taghi (2008AH), Repentance: The place and process of its realization, Maaraft, 18th year, September, number 141.
48. Naraghi, Mohammad Mahdi (1383), Jame' Al-Sadat, edited by Sayyed Mohammad Kalantar, Najaf Ashraf: Al-Najaf Al-Diniya University.
49. Pour Seif, Abbas (1381AH): "Summary of Al-Mizan's and nemooneh Commentaries ", Tehran: Shahid Publishing House, fifth edition.

50. Rafi'i, Mostafa Sadiq (1361AH), The miracle of the Qur'an and the eloquence of Muhammad, translated by Abd al-Hussein Ibn al-Din, Tehran: Buildings of the Qur'an.
51. Tamimi Amadi, Abdul Wahid Ibn Muhammad (1410), Gharr al-Hukam and Darr al-Kalam, research of Seyyed Mahdi Rajaei, Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya.
52. Taymi, Yahya bin Salam. (1425AH). Interpretation of the Qur'an. Beirut-Lebanon: Scientific Books House, Muhammad Ali Baydoun Publications.
53. Tabatabaei, Mohammad Hossein (2013AH), Tafsir al-Mizan, translator: Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers.
54. Tayeb, Seyyed Abdul Hossein (1378 AH), Tayeb al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Islam Publications
55. Umairah, Khalil Ahmad (without date), in the syntax of the language and the composition of the method and implementation, Cairo: Dar al-Maarif.
56. Zamakhshari, Mahmoud bin Umar. (1374 AH). Al-Kashaf on the hidden facts of Al-Tanzil and Ayun al-Aghawil in the aspects of interpretation and interpretation of the Holy Qur'an. Publisher: Bostan Kitab Institute.